

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی **صبح ایران** • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان قاضی، خیابان بهرام مصری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ •
نمبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ •
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ •
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ •
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز •
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ •
چاپ: صمیم •
تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۱ • ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۴۴۴ • ۲۱ نوامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۴۲۶ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰ • اذان مغرب ۱۷:۱۴
اذان صبح فردا ۵:۱۹ • طلوع آفتاب ۶:۴۷

شرق

دیالوگ روز

آینده -لی تاما‌هارِی -۲۰۰۷

کریس جانسون (نیکلاس کیچ): به نقاش ایتالیایی هست اسمش کارلو تیه و اون... زیبایی رو این‌طور تعریف کرده:
زیبایی مجموعه‌ای از اجزاییه که آن چنان با هم هماهنگ هستن که نیازی نیست چیز دیگه‌ای بهشون اضافه بشه
برداشته بشه یا جایگزین بشه...

روزها

هنگامه قاضیانی و کتایون ریاحی بازداشت شدند



ایرنا از بازداشت هنگامه قاضیانی و تسنیم از بازداشت کتایون ریاحی بازنگران سینما و تلویزیون خبر دادند. در متن خبر خبرگزاری دولت آمده است هنگامه قاضیانی بازیگر سینما و تلویزیون عصر روز یکشنبه ۲۹ آبان با حکم قضائی توسط دستگاه امنیتی بازداشت شد. در متن این خبر «ارتباط با رسانه‌های معاند و ضدانقلاب»، «حمایت از آشوبگری و با تهییج و ترغیب جامعه» از عناوین اتهامی قاضیانی است که منجر به بازداشت وی شده است.

احضار سینماگران

خبرگزاری میزان (مرکز اطلاع‌رسانی قوه قضائیه) اعلام کرده است که در روزهای گذشته از تعدادی افراد، در مورد صحت ادعاهای تحریک‌آمیز مطرح‌شده در مورد اغتشاشات مستمدات و ادله خواسته‌شده که با گذشت چند روز تاکنون هیچ مستند و دلیلی ارائه نشده است و در نتیجه این افراد جهت توضیح درخصوص مطالبی که منتشر کرده‌اند به دادسرا احضار شده‌اند.

۸ چهره سینمایی در دادسرا

در همین رابطه همچنین طی یک هفته گذشته نیز پنج نفر از چهره‌های سینمایی جهت پاسخ‌گویی در مورد انتشار مطالب غیرمستند و تحریک‌آمیز به دادسرا احضار شدند.
الناز شاکردوست، میترا حجار، باران کوثری، سیما تیرانداز و هنگامه قاضیانی از این افراد هستند. سه فرد دیگر نیز باید طی روزهای آتی به مقام قضائی در مورد مطالب غیرواقعی مطرح‌شده پاسخ‌گو باشند.
طبق گزارش این خبرگزاری برخی از چهره‌ها از جمله محمود صادقی، پروانه سلحشور و یحیی گل‌محمدی برای توضیح درخصوص انتشار مطالب غیرمستند یا توهین‌آمیز به دادسرا احضار شده‌اند.
در گزارش این خبرگزاری آمده است: آنها روز شنبه جهت پاسخ‌گویی به مقام قضائی به دادستانی تهران احضار شده بودند. این افراد در پی برخی اظهارنظرهای بدون استناد در مورد وقایع اخیر، همچنین انتشار مطالب تحریک‌آمیز احضار شده‌اند.
در سایت‌های سینمایی نظیر کافسینما و سینمادبلی آمده است که حمید فرخ‌ناز ممنوع‌الکار شده و آموزشگاه سینمایی هومن سیدی نیز بسته شده است.

کمیته پیگیری مشکلات سینماگران

در چهل‌وهشمین جلسه شورای معاونین و مدیران سازمان سینمایی با حضور محمد خراعی – رئیس سازمان- که سه‌شنبه ۲۵ آبان در سالن شهید آوینی سازمان سینمایی برگزار شد، از ایجاد کمیته‌ای متشکل از نمایندگان سازمان، قوه قضائیه و خانه سینما برای پیگیری مشکلات پیش‌آمده برای برخی از سینماگران در پی ناآرامی‌های اخیر خبر داده شد.
خرائی گفت: «ناآرامی‌های اخیر در کشور با حواشی و مشکلاتی برای تعدادی از فعالان سینما همراه بوده است که در کنار پیگیری و تشکیل جلسات مستند با مراجع و دستگاه‌های ذی‌ربط در این زمینه، به منظور سرعت‌بخشی به روند رسیدگی به مشکلات همکاران، کمیته‌ای متشکل از نمایندگان سازمان سینمایی، قوه قضائیه و خانه سینما ایجاد شده و در حال پیگیری برای رفع آن مشکلات است».

کمیته حمایت حقوقی خانه سینما

چند روز پیش شبکه «شرق» گزارشی درباره هنرمندانی که احضار شده یا ممنوع‌الخروج هستند، تهیه کرده بود. در این گزارش تأکید شده بود در طول این مدت لیستی مدفنه شامل زندانیان، کسانی که پاسپورت‌هایشان توقیف شده و ممنوع‌الخروج‌ها توسط کمیته حمایت حقوقی و قضائی از هنرمندان و سینماگران تهیه شده است.
اسامی این فهرست مدام به‌روز شده و نقرات جدیدی به لیست اضافه می‌شوند.
علیرضا حسینی، از اعضای این کمیته گفته بود که برای حفظ حقوق بازداشت‌شدگان اجازه ندارند اسم آنها را منتشر کنند، با این حال درباره جزئیات نام افرادی که در لیست هستند، چنین توضیح می‌دهد: «۱۰ مستندساز از قبل به خاطر سفرها و شرکت در ورکشاپ درگیر دادگاه بودند و شش نفر هم به خاطر بیابیه در لیست هستند و ۲۶ نفر از اعضای خانه تئاتر و موسیقی هم در لیست حضور دارند. تعدادی از دستگیرشدگان نویسنده، دستیار فیلم‌بردار و سازنده فیلم کوتاه و مستندساز هستند. اکثرا جوان هستند و متأسفانه دچار پرونده قضائی شده‌اند».



مشکل آب تهران یک‌شبه حل شد؟



سعید برآبادی

درحالی‌که از ابتدای مهرماه و هم‌زمان با شروع سال آبی ۱۴۰۱، هشتاد‌های فراوانی به مشترکان آب در تهران و بسیاری از شهرهای ایران درباره شرایط بحرانی آب پشت سدها و بارش‌های کم داده شد و بحث احتمال جیره‌بندی آب در پایتخت به میان آمد، مشخص نیست چگونه صبح آخرین شنبه آبان‌ماه، سخنگوی صنعت آب از نرمال‌بودن شرایط تأمین آب در کل کشور خبر داده است. اما ماجرا چیست و چطور یک‌شبه بحران آب در کشور به پایان رسید؟

میزان آب پشت‌سدها تغییری نکرده است

نگاهی به تازه‌ترین اظهارات فیروز قاسم‌زاده، سخنگوی صنعت آب، حکایت از آن دارد که در وضعیت بحرانی آب شرب کشور، تغییر خاصی از ابتدای مهرماه صورت نگرفته است. براساس این همچنان تنها ۱۷/۸ میلیارد مترمکعب آب پشت سدها وجود دارد و این یعنی درصد پرشدگی مخازن سدهای کشور تنها ۳۶ درصد است. وضع سدهای تهران تقریباً به اندازه نیمی از میانگین کل کشور است؛ یعنی حدود ۱۷ درصد که نسبت به سال قبل، حجم آن ۲۰ درصد هم کم شده است. با این حساب چطور می‌شود سخنگوی صنعت آب بیکاره قول تأمین آب شرب پایدار را در تمام استان‌های کشور داده و خیال تهرانی‌ها را از جیره‌بندی آب راحت کرده است؟ نخستین دلیل این تغییر، میزان بارانی است که در طول حدوداً ۶۰ روز اخیر (ماه‌های مهر و آبان) در کشور باریده است. به نظر می‌رسد ارزیابی سخنگوی صنعت آب به اما و اگرهای سال آبی مرتبط است. قاسم‌زاده گفته که «اکنون در پاییز قرار داریم و طبیعتاً بارش‌های پاییزه و در ادامه آن، بارش‌های زمستانه می‌تواند بسیار کارشما باشد. معمولاً ۴۵ درصد بارندگی کشور در زمست اتفاق می‌افتد و مخازن از این طریق تغذیه بیشتر خواهند شد.»

آیا بارندگی زمستانی می‌تواند کمبود آب جمع‌شده پشت سدها را جبران کند؟

آمارها چیز دیگری می‌گویند. وزارت نیرو معتقد است که در

این مقطع از سال، مخازن سدها باید حدود ۴۲ تا ۴۳ درصد پر شده باشند تا در ادامه سال، با تغذیه‌ای باران‌های زمستانی، خود را سیراب کنند. این در حالی است که پیش‌تر هم گفتیم تا اینجا تنها ۳۶ درصد از کل سدهای کشور پر شده است. شاید آنچه باعث شده سخنگوی صنعت آب، وضعیت آب کل کشور را «نرمال» بخواند، داده‌های بارش باران در دو ماه اخیر باشد. آمارها می‌گویند که از ابتدای پاییز تا آخرین شنبه آبان‌ماه ۱۴۰۱، نزدیک به دو میلیارد مترمکعب آب وارد مخازن سدهای کشور شده است. این رقم نسبت به سال قبل، رشد چهار درصدی داشته، اما این رشد به حدی اندک است که نمی‌توان براساس آن چنین حکمی داد. نکته مهم در بارندگی‌های پاییز امسال، برنامه‌ریزی صنعت آب در محدودکردن خروجی سدهاست. به عبارت دیگر، دولت دارد کمبود آب پشت سدهای خود را با رشد چهار درصدی بارش‌های اخیر و کاهش پنج درصدی خروجی سدها جبران می‌کند که به نظر نگران‌کننده است، چرا؟

چشم‌امید به بارش‌های زمستانی

معطوف‌کردن موضوع مهمی مانند تأمین آب شرب به آسمان و بارش‌های زمستانی موضوع جدیدی نیست؛ اما سوال اساسی اینجاست که آیا صنعت آب، پیش‌بینی‌های خود را با داده‌های سازمان هواشناسی هماهنگ کرده است؟ پیش‌بینی سازمان هواشناسی از زمستان کم‌بارانی حکایت دارد و این سازمان گفته است بارندگی‌های امسال ۷۰ درصد نسبت به شریط عادی کاهش خواهد داشت و حتی پاییز بارباران امسال – به تعبیر سخنگوی صنعت آب– نیز ۵۰ درصد کم‌باران‌تر از شرایط عادی خواهد بود. آمارها نشان می‌دهد از ابتدای سال آبی جدید تا ۲۴ مهرماه میزان بارندگی در کشور ایران به طور میانگین در حدود ۰.۸ میلی‌متر بوده. این در حالی است که میزان بارندگی بلندمدت در همین تاریخ در حدود ۴.۸ میلی‌متر بوده است که در واقع شش برابر کمتر شده است.

آیا بحران آب در تهران یک خبرسازی داخلی است؟

هم‌زمانی شروع پاییز و ناآرامی‌های اخیر، این باور عمومی را ایجاد کرد که بسیاری از اظهارات مسئولان در زمینه بحران آب شرب پایتخت خبرسازی داخلی است و مصرف بیرونی ندارد. بابیان و مسئولان مدیریت آب در کشور در فاصله همین زمان با انتشار انواع آمارها سعی کردند این باور عمومی را تغییر دهند



♦ کار در کوره‌های آجرپزی قطعاً یکی از سخت‌ترین مشاغلی است که وجود دارد. کارگران مجبور هستند زمانی که هوا هنوز گرم و میش است در محل کار حاضر شده و تا زمانی که گرمای آفتاب زیاد شود کار خود را ادامه دهند. عکس: بهنام یوسفی، مهر

خبرخوانی

روزی برای کودکی



این روزها کشته‌شدن «کیان پیرفلک» سبب تأثر و اندوه مردم ایران شده است. مدیر مدرسه او خبر از تغییر نام مدرسه به نام او داده است و رویداد۲۴، عکسی از حضور هم‌کلاسی‌هایش بر سر مزارش منتشر کرده است.

ابرازنگرانی

انجمن نویسندگان کودک و نوجوان درباره شرایط ناگوار این روزها برای کودکان و کشته‌شدن تعدادی از آنها همچون «کیان پیرفلک» ابراز نگرانی کرد. در این متن آمده است:

به نام خداوند رنگین‌کمان، هم‌زمان با اعتراضات در شهرهای مختلف کشور و در کنار حوادث تلخ بسیاری که هر روزه شاهد آن هستیم، خبر کشته‌شدن و آسیب‌دیدن شماری از کودکان و نوجوانان از جمله ناگوارترین اخبار این روزهاست. در میان کودکانی که در این معرکه جان پاک خود را از دست می‌دهند، نام عده‌ای چون «کیان پیرفلک» در ذهن‌ها ماندگار می‌شود و عده‌ای نیز اگرچه کمتر شناخته می‌شوند، اما بی‌شک شایسته توجه و گرامیداشت نام و یادشان هستند. انجمن نویسندگان کودک و نوجوان ضمن عرض تسلیت به خانواده‌های سوگوار و آحاد مردم، نگرانی شدید خود را از ادامه آسیب‌رسیدن به کودکان ابراز داشته، خواهان آن است که در کنار احترام به حق اعتراض مدنی شهروندان، حفاظت از جسم و روح کودکان و نوجوانان به عنوان یک اصل مهم مورد توجه ویژه قرار گیرد.

روز جهانی کودک: از سال ۱۹۵۴ تاکنون در ۲۰ نوامبر هر سال، بزرگداشتی برای «روز جهانی کودک» در راستای حمایت، ترویج و بزرگداشت حقوق کودکان برگزار می‌شود. سازمان‌های مختلف جهان مانند یونیسف، یوفا، اتحادیه اروپا و... از برخی تلاش‌هایی که برای بهبود رفاه، ایمنی و توسعه شخصی کودکان انجام داده‌اند، گزارش داده‌اند. شعار امسال روز جهانی کودک «برابری و شمول برای هر کودک» است؛ اما واقعیت‌های امروزی با اهدافی که اعلام می‌شد، فاصله بسیاری دارد و اصل مهم «بهترین منافع کودک» که باید هدایت‌کننده سیاست‌های دولت‌ها باشد، چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

کم‌کاری دولت‌ها: یکی از کمیسران حمایت از حقوق کودکان جهان، تصویر کمی انتقادی‌تری را ترسیم کرده و به سی‌ان‌بی‌سی گفته است که با وجود پیشرفت‌های به‌دست‌آمده در سطح بین‌المللی، دسترسی بدون مانع کودکان به حقوق خود همچنان یک چالش جدی است که جنگ‌ها و بحران مهاجرت، آن را تشدید کرده است. بحران انرژی، همه‌گیری جهانی و بحران آب‌وهوایی، هر روز کودکان بیشتری را به سمت فقر، طرد اجتماعی و مهاجرت سوق می‌دهد. حق کودکان برای داشتن محیطی سالم و دسترسی به عدالت آب‌وهوا از مواردی است که در این شرایط محقق نشده است، او همچنین تأکید کرد که دولت‌ها مسئولیت روشنی در حمایت از خانوارهای کم‌درآمد دارند؛ زیرا فقر و محرومیت اجتماعی ندرتاً بر درون کودک تأثیر می‌گذارد؛ بلکه دسترسی کودکان به فرصت‌ها را در بزرگسالی محدود می‌کند؛ زیرا بدون باطل فقر از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. این کمیسر به این نکته اشاره می‌کند که تنها راه برای ایجاد شرایطی که به کودکان اجازه می‌دهد در محیطی سالم و امن رشد کنند، اجازه‌دادن به آنها برای مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری است.

تبدیل‌شدن به کتاب درسی را هم ندارد؟

دیگر اینکه به کشورهای چین و ژاپن اشاره فرموده‌اید که بر پایه اطلاعات کتاب درسی چین و ژاپن و بسیاری از کشورهای اروپایی تولیدکنندگان عمده کاغذ هستند؛ درحالی‌که ژاپن طی قرن گذشته چین در ۵۰ سال گذشته ضمن تولید کاغذ سطح جنگل‌های آسیب‌دیده خود را بسیار افزایش هم داده‌اند! در ژاپن و کره جنوبی با وجود افزایش تولید کاغذ، پوشش جنگلی کشور بسیار توسعه یافته است. لطفاً در این باب به کتاب مستند «فروپاشی» مراجعه فرمایید. دیگر اینکه آیا می‌دانید چه میزان از کاغذ تولیدی ایران از خمیر برای جنگل به خاطر لطمه‌دیدن از کاغذ مورد ندارد. جنگل را به خاطر تخته و الوار و نجاری می‌برند و زواند آن هیزم می‌شود یا مناسب تولید کاغذ است. اگر برنامه صنعتی و اقتصادی صحیح در کشوری با مدیریت کارشناسانه همراه باشد، باید جنگل به‌عنوان یک ودیعه تولیدی دائماً در حال مصرف و احیای مثبت منابع باشد و به تولید کاغذ و الوار هم ادامه دهد! جنگل‌های زاگرس برای تولید ذغال و قابلیت چرای دام خوانین نابود شده اما هرگز برای تولید کاغذ یک درخت آن هم بریده نشده است!

دیگر اینکه بخشی از تولید کاغذ کشور از پسماند نیشکر یعنی باگاس تولید می‌شود که ربطی به جنگل ندارد. اما بخش بزرگ‌تر تولید کاغذ کشور از کاغذ بازیافتی است که اگر نبود، همین زباله‌گردهایی که برایشان دلسوزی می‌کنیم و می‌توانستند در مراکز بهداشتی بازیافت مشغول باشند، بی‌کار و بی‌ن‌ان می‌ماند! بازیافت در اروپا به ۸۰ درصد و در ایران فقط به ۲۰ تا ۲۵ درصد می‌رسد و مقادیری کاغذ بازیافتی از خارج وارد می‌شود و بخشی از چوب برای تولید خمیر کاغذ با الیاف بلند برای صنایع ورق چوبی امد‌ای نیز همراه با خمیر کاغذ الیاف بلند برای تقویت خمیر تولیدی داخل از خارج وارد می‌شود. تازه همین وزارت آموزش‌وپرورش چرا باید کتاب‌های سالانه یک‌بارمصرف

و رایگان خود را از بهترین نوع کاغذ تهیه کند؟ کاغذ مناسب لازم است اصا برای دادن کتاب رایگان یا ارزان بعدی باید کتاب‌ها و دفترچه‌های مصرف‌شده سال قبل را تحویل بگیرند و آن ثروت عظیم را برای بازیافت و تأمین بخشی از کاغذ مصرفی خود به کارخانه‌های کاغذ محلی بفروشند!

مصرف آب کم نیست اما بخش عمده آن بازیافت و دوباره مصرف می‌شود. می‌فرمایید حدود ۷۰ کارخانه تولید کاغذهای بسته‌بندی و بهداشتی و تحریر کشور تعطیل شود که چند تاجر بتوانند با واردات کاغذ مسئله زیست‌محیطی ایران را به جهان خارج صادر کنند؟ اما چرا صنعت کاغذ «باید» برای محیط زیست بی‌زبان باشد: تابستان امسال همراه فرزندان سفری زمینی در شمال ایتالیا داشتم. شاهد صدها هزار هکتار درختستان از انواع سیدار و تبریژی‌های اروپایی و درختی که در ایران صنوبر نامیده می‌شود و همچنین زیرفون بودم. در سنین مختلف به نوبت از درختستان‌ها بریده می‌شوند تا چند سال بعد بار دیگر نوبت به پاچوش‌های آنها برسد. جنگلی نابود نمی‌شود، افزوده هم می‌شود. در سووند نیز شاهد بوده‌ام که درختستان‌ها را به دلیل زیست‌محیطی ملزم به کاشت ترکیبی برگ‌پهن‌ها و سوزنی‌برگ‌ها کرده‌اند و برنامه قطع و بازسازی از ۷۰ سال پیش ادامه دارد، درحالی‌که در آن سرما رشد درختان بسیار کمتر و آهسته‌تر از سرزمین‌های معتدل است! در ایران نیز هنگام برنامه‌ریزی تولید کاغذ چوکا در گیلان و چوب و کاغذ مازندران، به هرکدام زمین‌ها و جنگل‌های مخروبه‌ای را تخصیص دادند که از همین انواع سیدار کشت و برداشت شود. می‌دانم که آغاز هم شد اما پس از انقلاب چه شد؟ صنعت را بدون ملاحظات زیست‌محیطی تعطیل و واردات را بدون دلیل واقعاً اقتصادی و زیست‌محیطی تشویق و البته انحصاری کردید. وظیفه دولت تشویق و توسعه درختستان‌ها و راهنمایی حفاظت از محیط زیست است نه اینکه صنعت کاغذ را به سود سوداگران تعطیل و پلاستیک کاغذی غیرقابل‌تجزیه و مخرب را جانشین کاغذ طبیعی قابل بازیافت کند!